

رصد

بررسی تحرکات غرب در حوزه مهدویت و آخرالزمان گرایی
شماره نوزدهم | پاییز ۱۴۰۴



این خانه پناه امن مظنه و ملوک است

سخن سردبیر

حوادث و مسائل آن زمان و تاریخ اسلام نباید مورد غفلت باشد. حدود و میزان این تأثیر و ارزش ویژگی‌های فاطمه هنوز نیاز به بررسی و تأمل فراوان دارد. سید رضا فیض، محقق و عرفان‌پژوه معاصر نیز نامه جالب توجهی از ماسینیون را که سه سال قبل از مرگش برای هانری کربن نگاشته، ترجمه کرده و جالب اینکه در آن نامه ماسینیون از کربن خواسته بود تا مجموعه‌ای درباره حضرت فاطمه (ع) تهیه کند، زیرا او را بانویی می‌دانست که می‌تواند حامل نور شناخت الهی باشد!

خود ماسینیون نیز ارادت و علاقه به شخصیت والا و آسمانی حضرت فاطمه (ع) را در برخی نوشته‌هایش ابراز کرده است. نوشتار جاری را با عباراتی از ماسینیون در رثای حضرت زهرا (ع) به پایان می‌بریم: «فاطمه، که نه برای خویش بل برای دیگران دعا می‌کرد، باید ترک شده و در حصر و در سوگ فرزندی خویش نسبت به درگذشت پدر، می‌مرد... در واقع، فاطمه هفتاد و پنج روز پس از پدر درگذشت، پس از آن که فرزندی فوت کرده به نام محسن، صاحب السر، را پیش از موعد به دنیا آورد؛ چه به عنوان یک شورشی با او بدرفتاری شد، زیرا حاضر نشده بود از خانه پرانده خویش، «بیت الاحزان»، به در آید و با آن‌ها بیعت کند. و آنگاه او به نشانه اعتراض «گره از زلف خویش» گشوده بود، رفتار شریفی که نشانگر اوج عسرت از سوی زنی آزاد است؛ که در رستاخیز آن‌را تجدید خواهد کرد: خشم شیرزن!»

بسم الله الرحمن الرحيم
«السلام عليك يا بنت رسول الله... السلام عليك يا سيدة نساء العالمين من الأولين والآخرين... السلام عليك أيها الصديقة الشهيذة»

یکی از اسلام‌پژوهان غربی که با مطالعه زندگی حضرت صدیقه کبری (ع)، شیفته سجایای اخلاقی ناب ایشان شد، لویی ماسینیون است. این مستشرق فرانسوی در نیمه قرن بیستم تلاش وافر نمود نوع نگاه غرب به اسلام را که تحت نگاه خاورپژوهان نسل کهن غالباً منفی و تقابلی بود، تغییر دهد و تا حدود زیادی نیز در این امر موفق بود؛ چنانکه کتب و نوشته‌های او و نیز تربیت شاگردانی همچون هانری کربن و یا دکتر علی شریعتی، گواهی بر این امر است.

شیفتگی ماسینیون نسبت به حضرت زهرا (ع) را هم در خاطرات و هم در نوشته‌های او می‌توان یافت. دکتر منوچهر مرتضوی در ضمن ذکر خاطره آخرین دیدار خود با ماسینیون، وقتی از او در مورد آخرین موضوع مورد توجه ویژه‌اش سؤال می‌کند، با پاسخی عجیب و ژرف مواجه می‌شود: «مدت‌هاست به (حضرت) فاطمه می‌اندیشم، دختر پیغمبر اسلام. شخصیت استثنایی او مرا تحت تأثیر قرار می‌دهد و ابعاد شخصیت و صفاتش شگفت‌آور و شوق‌انگیز می‌نماید. عمر کوتاه و دشواری‌های زندگی پر نشیب و فراز او شامل نکات باریک و حاکی از نیروی فوق‌العاده بالقوه‌ای است که تأثیرش در نشأت و جریان بعضی

شناسنامه

سردبیر و ناظر محتوایی:

حجت الاسلام والمسلمین زهیر دهقانی آرانی
هیئت تحریریه: مسعود زائری، سرکار خانم‌ها محمدی و اسلامی، گروه غرب و مهدویت

صفحه آرایی: حامد خاکپور

تهیه شده در: مؤسسه فرهنگی «عصر موعود»
به سفارش معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و پژوهش

سایت: <http://westandmahdism.ir>

ایمیل: westandmahdism@chmail.ir



فهرست مطالب
شماره نوزدهم

اصط

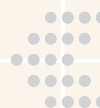
- سخن سردبیر
- حضرت فاطمه (ع) در نگاه غربیان: تقابل، توصیف و تأمل
- اوانجلیست‌ها و صهیونیست‌ها؛ هم‌پیمانی سیاسی با تمایزات و تضادهای شدید الهیاتی
- الهیات در خدمت سیاست: بازخوانی صهیونیستی کتاب مقدس در آثار جونل ریچاردسون
- مستشرقین در خدمت صهیونیسم: تحلیل دیدگاه‌های آخر الزمانی ریچارد لندنز
- معرفی مراکز اسلام‌پژوهی و ایران‌پژوهی در اسرائیل (۲): دانشگاه عبری اورشلیم
- روایت هالیوود از نجات و نابودی: دگرگونی مفهوم منجی‌گرایی



حضرت فاطمه (س) در نگاه غربیان: تقابل، توصیف و تأمل

سرکار خانم اسلامی

وجود مقدس حضرت فاطمه زهرا (س)، دختر گرامی پیامبر اسلام (ص)، به سبب برخورداری از شاخصه‌های برجسته شخصیتی و تأثیر عمیق تاریخی، همواره در کانون توجه پژوهشگران داخلی قرار داشته است. در سال‌های اخیر، این توجه فراتر رفته و برخی محققان غربی و پژوهشگران ادیان نیز به مطالعه ابعاد مختلف شخصیت و نقش تاریخی ایشان پرداخته‌اند. این پژوهشگران با روش‌های گوناگون - از نقد تاریخی و جامعه‌شناسی گرفته تا مقایسه میان‌ادیانی و حتی تحلیل داستانی - به بررسی جنبه‌های مختلف زندگی، جایگاه و نمادهای مرتبط با ایشان با رویکرد توصیفی و تقابلی پرداخته‌اند. این نوشتار می‌کوشد با مرور مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده، دیدگاه محققان غربی را درباره حضرت فاطمه زهرا (س) بررسی کند؛ پژوهش‌هایی که گاه از زاویه دیدهای متفاوت به توصیف، نقد و بازخوانی این چهره محوری در تاریخ اسلام پرداخته‌اند.



وینای کتیا پژوهشگر مؤسسه شیعه‌شناسی در تورنتو کتابی با عنوان «فاطمه به عنوان الگویی از نزاع و رنج در منابع اسلامی»^۱

نگاشته است. او برخلاف کسانی که سعی کرده‌اند حضرت فاطمه (س) را شخصیتی کم اهمیت جلوه دهند، سعی می‌کند ایشان در مرکز شکل‌گیری هویت مذهبی شیعی قرار دهد. نویسنده می‌کوشد نشان دهد که روایت‌های مربوط به حضرت فاطمه (س) از همان آغاز در بستر اختلافات سیاسی پس از رحلت پیامبر (ص) معنا یافته‌اند و در گذر زمان، در دو گروه شیعی و سنی مسیرهای متفاوتی پیموده‌اند. به باور نویسنده در منابع اهل تسنن، فاطمه (س) بیشتر الگویی اخلاقی و مؤمنه‌ای آرام معرفی می‌شود؛ در حالی که در منابع شیعی، ایشان نماد مقاومت، مظلومیت و رنج در برابر بی‌عدالتی سیاسی است. اثر تأکید دارد که این دو تصویر، بازتابی از کشمکش‌های هویتی و فرقه‌ای مسلمانان است که بنابر هر دو نوع تصویر، حضرت زهرا (س) به عنوان شخصیتی اصلی و محوری در تاریخ صدر اسلام بوده است.

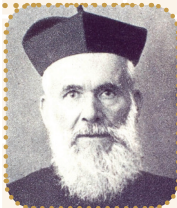


**Fatimah As A Motif
Of Contention And
Suffering In Islamic
Sources**

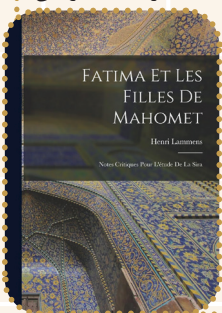


Vinay Khetia

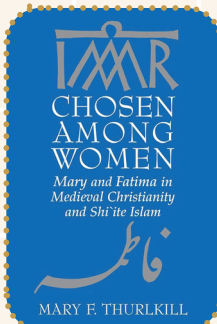
Al-Islam.org



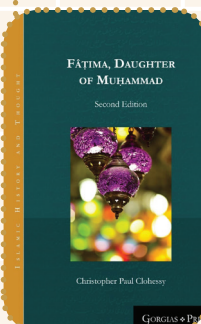
هنری لامنس تاریخ‌دان و شرق‌شناسی که بیشتر برای کتاب‌هایش درباره تاریخ آغازین اسلام شناخته می‌شود کتابی با نام «فاطمه و دختران محمد»^۵ دارد. این کتاب رویکردی جانب‌دارانه و متکی بر منابعی کم‌اعتبار دارد و می‌کوشد نشان دهد بخش قابل توجهی از روایت‌های مربوط به حضرت فاطمه (س) در واقع ساخته‌های متأخر، متناقض و متأثر از سیاست‌های شیعی دوران‌های بعدی است. نویسنده در این چارچوب، حضرت فاطمه (س) را نه به‌عنوان شخصیتی تاریخی و فعال، بلکه بیشتر به‌صورت نمادی مذهبی و اسطوره‌ای می‌نگرد و معتقد است استمرار نسل پیامبر (ص) از طریق ایشان، علت اصلی تمرکز شیعیان بر این شخصیت بوده است.



مری تورکیل استاد دانشگاه می‌سی‌سی‌پی در کتاب خود با عنوان «برگزیده در میان زنان: مریم و فاطمه در مسیحیت قرون میانه و اسلام شیعی»^۲ به مطالعه تطبیقی شخصیت حضرت زهرا (س) و حضرت مریم (ع) پرداخته است. نویسنده در آن نشان می‌دهد که چگونه هر دو شخصیت در سنت‌های دینی خود به عنوان زن کامل و برگزیده معرفی شده‌اند؛ اما در دو بافت فرهنگی و الهیاتی متفاوت: در مسیحیت قرون وسطی، حضرت مریم نماد پاکی، شفاعت و مادری مقدس است؛ در حالی که در مذهب تشیع، حضرت فاطمه (س) علاوه بر قداست مادری و طهارت، نقش فعالی در انتقال امامت و استمرار اسلام حقیقی دارد.



کریستوفر کلوهرسی کشیش مسیحی و از اعضای روحانیت کاتولیک است که در مورد حضرت زهرا (س) کتابی را تحت عنوان «فاطمه دختر حضرت محمد»^۳ نگاشته است و در آن فضائل و ادله شهادت حضرت زهرا را از منابع

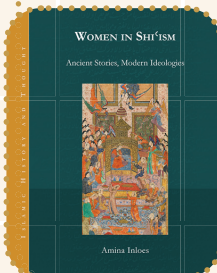


شیعه و سنی دسته اول گردآوری و خطبه فذکبه را نیز به انگلیسی ترجمه کرده است. کلوهرسی در این کتاب به وقایع تاریخی بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) می‌پردازد و حضرت زهرا (س) یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های مورد ظلم قرار گرفته در آن دوران معرفی می‌کند و صبر و بردباری ایشان را مورد تمجید قرار می‌دهد.

دکتر راشل کانتز فیدر، پژوهشگر مرکز مطالعات خاورمیانه و آفریقا در مؤسسه موشه دایان و استاد دانشگاه تل‌آویو، در مقاله‌ای با عنوان «تصویر انقلابی فاطمه در کتاب فدک فی التاريخ: آغاز فعالیت‌های محمدباقر صدر»^۶ به بررسی دیدگاه شهید صدر درباره حضرت فاطمه زهرا (س) پرداخته است. اصلی‌ترین مدعای او در این مقاله آن است که شهید صدر در اثر خود می‌کوشد تصویر رایج از حضرت فاطمه (س) - که عمدتاً بر خانه‌نشینی، مظلومیت و رنج ایشان از بی‌عدالتی تأکید دارد - را دگرگون سازد و به جای آن، چهره‌ای فعال، انقلابی و اثرگذار از ایشان ارائه دهد؛ الگویی از زنی منتظر و مسئول که در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی حضور آگاهانه دارد و می‌تواند الگویی قدرتمند برای مبارزات و قیام‌های شیعیان در عراق باشد.



دکتر امینه اینلوز فارغ التحصیل مقطع دکترای مطالعات اسلامی دانشگاه اکستر از دیگر اشخاصی است که کتاب در خور توجهی در مورد حضرت زهرا (س) نگاشته است. او در کتاب «زنان در تشیع: داستان‌های باستانی، ایدئولوژی‌های مدرن»^۴ تلاش می‌کند نگاهی تازه به جایگاه زن در اندیشه شیعی ارائه دهد و با بررسی روایت‌ها و داستان‌های دینی



درباره زنان در متون کهن، نشان می‌دهد که تصویر زن در تشیع همیشه یکسان و محدود به نقش همسر یا مادر نبوده است. اینلوز می‌کوشد تا ثابت کند زنان در تشیع، برخلاف برداشت‌های کلیشه‌ای، می‌توانند نقش‌هایی فعال، الهام‌بخش و چندوجهی داشته باشند.





خالد سنداوی مدرس دانشگاه حيفا و تل آویو و صاحب مقالات متعدد در موضوعات اسلامی است که مقاله‌ای به نام «افسانه‌های مربوط به عروسی فاطمه زهرا(س) در گفتمان اولیه شیعه»^۷ دارد. نویسنده در این مقاله مدعی است که احادیث درباره ازدواج فاطمه و علی علیهما السلام باهدف ارتقای جایگاه معنوی و مقدس حضرت فاطمه و خاندان اهل بیت در نگاه شیعیان و تقویت باورهای شیعه و ایجاد امید در شرایط سخت نقل و گسترش یافته‌اند. سنداوی قضاوتی درباره صحت تاریخی این روایات ندارد بلکه هدفش تحلیل انگیزه‌ها و اهدافی است که موجب پذیرش و گسترش این روایات در میان شیعیان طی نسل‌های متمادی شده است. سنداوی همچنین در پژوهشی به سراغ یکی دیگر از شخصیت‌های نزدیک به حضرت زهرا(س) رفته و مقاله‌ای تحت عنوان «فضه نوبیه و نقش او در تاریخ آغازین شیعه»^۸ به رشته تحریر در آورده است.



ورنا کلیم، پژوهشگر آلمانی در مقاله‌ای با عنوان «روایت نخستین اسلامی از فاطمه دختر محمد: از خبر تا افسانه»^۹ به این سؤال می‌پردازد که چگونه یک شخصیت تاریخی به تدریج به قهرمان یک داستان افسانه‌ای و مقدس تبدیل می‌شود؟ به باور او، تفکیک «فاطمه تاریخی» از «فاطمه اسطوره‌ای» تقریباً ناممکن است؛ زیرا حتی کهن‌ترین منابع موجود نیز از نگاه دینی و تفسیری روایان خود متأثرند. کلم استدلال می‌کند که در منابع اولیه، حضرت فاطمه(س) چهره‌ای انسانی و زمینی دارد، اما در گذر زمان به شخصیتی فرانسائی و کیهانی بدل می‌شود. از این منظر، «افسانه فاطمه» نه تحریف یا جعل ساده، بلکه آفرینشی ادبی و دینی پیچیده است که زرف‌ترین باورها و تجربه‌های تاریخی شیعیان را بازتاب می‌دهد.



کارن رافائل استاد تاریخ دانشگاه تورنتو و سردبیر مجله اسلام در مقاله‌ای تحت عنوان «آفرینشی بهتر: نقش آدم و حوا در روایات شیعی درباره فاطمه زهرا»^{۱۰} نگاشته است و در آن بیان می‌کند چگونه داستان آدم و حوا در قرآن و متون دینی بعدی به عنوان پایه‌ای برای تبیین جایگاه حضرت فاطمه(س) در اندیشه شیعه استفاده قرار گرفته است. نویسنده در این مقاله نشان داده می‌شود که در فرهنگ شیعی حضرت فاطمه(س) پیونددهنده سه قلمرو است: جهان پیش از آفرینش، دنیای مادی و روز قیامت.

نتیجه‌گیری

تحلیل‌های محققان غربی نشان می‌دهد حضرت فاطمه زهرا(س) در نگاه آنان چهره‌ای چند بعدی و قابل تفسیر از زوایای مختلف است. برخی پژوهشگران مانند لامنس و کلم با نگاهی تاریخی انتقادی میان شخصیت تاریخی حضرت فاطمه و شخصیت اسطوره‌ای ایشان فاصله زیادی می‌بینند و معتقدند روایات بعدی^{۱۱} چهره واقعی ایشان را پنهان کرده‌اند. در مقابل گروهی دیگر با رویکردی مثبت سعی دارند به توصیف ابعاد مختلف شخصیت ایشان بپردازند. به طور کلی این تحقیقات نشان می‌دهد که شخصیت حضرت فاطمه(س) فراتر از یک چهره تاریخی ساده به نمادی پویا و تأثیرگذار در سیر تحولات فکری و اجتماعی شیعه تبدیل شده است.

1. Khetia, Vinay. Fatima as a Motif of Contention and Suffering in Islamic Sources. Concordia University, 2013.

2. Thurlkill, Mary F. Chosen among Women: Mary and Fatima in Medieval Christianity and Shi'ite Islam. University of Notre Dame Press, 2007.

3. Clohessy, Christopher Paul. Fâtima, Daughter of Muhammad. 2nd ed., Gorgias Press, 2019.

4. Inloes, Amina. Women in Shi'ism: Ancient Stories, Modern Ideologies. Islamic History and Thought series. Gorgias Press, 2019.

5. Lammens, Henri. Fatima et Les Filles de Mahomet. Notes Critiques Pour L'étude de La Sira. Rome and Paris: Scripta Pontificii Instituti Biblici, 1912.

6. Feder, Rachel Kantz. "Fatima's Revolutionary Image in 'Fadak Fi Al-Ta'rikh' (1955): The Inception of Muhammad

Baqir Al-Sadr's Activism." British Journal of Middle Eastern Studies, vol. 41, no. 1, 2014, pp. 79-96.

7. Sindawi, Khalid. "Legends Concerning the Wedding of Fatima al-Zahra as Reflected in Early Shi'ite Literature." Orientalia Suecana 56: 181-191, 2007.

8. Sindawi, Khalid. "Fiḍḍa l-Nūbiyya: The Woman and her Role in Early Shi'ite History", Al-Masaq: Journal of the Medieval Mediterranean, 21:3, 269-287, 2009.

9. Klemm, Verena. "Die Frühe Islamische Erzählung von Fâtima Bint Muḥammad: Vom Ḥabar Zur Legende." Der Islam, vol. 79, no. 1, 2002.

10. Ruffle, Karen G. "An Even Better Creation: The Role of Adam and Eve in Shi'i Narratives About Fatimah Al-Zahra." Journal of the American Academy of Religion, vol. 81, no. 3, 2013, pp. 791-819.

۱۱. منظور روایاتی است که در منابع حدیثی شیعی در قرون ۳ و ۴ هجری آمده است.



اوانجلیست‌ها و صهیونیست‌ها؛ هم‌پیمانی سیاسی با تمایزات و تضادهای شدید الهیاتی

• سرکار خانم محمدی

در دهه‌های اخیر، در ایالات متحده، ائتلاف‌هایی مابین جریان‌های اوانجلیستی و صهیونیستی شکل گرفته است. ساختار و درون‌مایه این ائتلاف‌ها که مدعی‌اند بر پایه ارزش‌های مشترک میان مسیحیان اوانجلیستی و یهودیان صهیونیست پدید آمده‌اند، بر پیوندهای الهیاتی تمرکز دارد. هرچند بنیان‌گذاران اولیه اسرائیل عمدتاً سکولار بودند، اما برای جلب حمایت یهودیان سنتی و ارتدوکس، مضامین مذهبی را به اقدامات استعماری خود افزودند. از این رو، هرگونه تهدید امنیتی علیه این کشور اشغالی، به‌مثابه هراسی برای دین یهود و ملت اسرائیل تلقی می‌شود؛ در نتیجه، رویکردهای سیاسی و ملی‌گرایانه، ناگزیر در تعامل و پیوند با رویکردهای مذهبی قرار می‌گیرند.^۱

هرگونه تلاش برای تغییر عقائد مذهبی خود را شدیداً توهین‌آمیز می‌دانند؛ امری که ریشه در میراثی تاریخی از قرن‌ها آزار و اجبار دینی از سوی حکومت‌های مسیحی دارد.^۲

درک این زمینه تاریخی، به تبیین واکنش‌های تند و اعتراضی برخی گروه‌های یهودی نسبت به فعالیت‌های تبلیغی اوانجلیست‌ها، به‌ویژه از طریق شبکه‌هایی نظیر GOD TV^۳ که با نام «شلانو» و به زبان عبری در سرزمین‌های اشغالی فعالیت دارند؛ کمک می‌کند. این واکنش‌ها در حالی صورت می‌گیرد که قوانین اسرائیل، آزادی دین و تبلیغ مذهبی برای افراد بالای سن قانونی را به رسمیت می‌شناسند. با این حال سیمپسون - مدیرعامل GOD TV - در پی اعتراضات گسترده، ناچار به عذرخواهی بابت هرگونه اظهارنظر توهین‌آمیز شد و تلاش برای تغییر عقائد مذهبی یهودیان را رد کرد.^۴ وی در عین حال اذعان داشت که تبلیغ درباره عیسی (ع) در اسرائیل «موضوعی بسیار حساس» است. با این وجود، در ویدئویی دیگر، سیمپسون از اهداف اصلی این شبکه پرده برداشت و گفت: «خدا به‌طور معجزه‌آسا در را برای ما گشوده است تا انجیل عیسی را وارد خانه‌ها و دل‌های قوم یهود کنیم. آن‌ها مخفیانه و بی‌صدا تماشا خواهند کرد و خداوند - همان که نابینایی را از دیدگان‌شان می‌زداید - قوم خویش را بازمی‌گرداند.»^۵

در ایالات متحده، مؤسسات متعددی به‌دست جریان‌های اوانجلیستی تأسیس شده‌اند که هدف مشترک همه آن‌ها، پشتیبانی همه‌جانبه از اسرائیل و جنبش صهیونیسم است. این مؤسسات، به‌صورت مستمر و سازمان‌یافته، در جلب حمایت‌های مالی، سیاسی و فرهنگی برای رژیم صهیونیستی فعالیت می‌کنند و نقش پررنگی در تحکیم جایگاه آن در سیاست داخلی و خارجی آمریکا دارند. رژیم اشغالگر اسرائیل نیز سال‌هاست از حمایت جریان‌های اوانجلیستی استقبال کرده است؛ به‌ویژه در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ که نفوذ این جریان‌ها بر ساختار تصمیم‌گیری کاخ سفید به‌طرز چشمگیری افزایش یافت. با این حال، این رژیم، انگیزه‌های پنهان مذهبی این حمایت‌ها را نادیده گرفته است؛^۶ انگیزه‌هایی که با وجود بازنمایی رسانه‌ای و بهره‌برداری‌های سیاسی، قابل کتمان نبوده و هر از چندی آشکار می‌گردد.

بسیاری از اوانجلیست‌ها نجات را منحصرأ در گرو ایمان به عیسی مسیح (ع) می‌دانند و بر این اساس به تبلیغ انجیل در سراسر جهان می‌پردازند. از منظر آنان اسرائیل مدرن تحقق پیش‌گویی‌های کتاب مقدس تلقی می‌شود و برخی، آن را نشانه‌ای از بازگشت قریب‌الوقوع مسیح و فرارسیدن پایان جهان می‌دانند.^۷ در مقابل، بسیاری از جوامع یهودی ارتدوکس، تشکیل دولت یهودی را نوعی عدول از انتظار ظهور مسیح‌ای موعودشان (ماشیح) و پایان تبعید تلقی کرده^۸ و در نتیجه،



گزارش های اخیر از مراکزی چون Rosing Center و FSSPX News نشان می دهد که خشونت علیه مسیحیان، کلیساها و صومعه ها در سرزمین های اشغالی، در حال افزایش است. این موارد شامل حملات فیزیکی به کشیشان، تخریب اماکن مقدس، آتش سوزی عمدی، نوشتن شعارهای نفرت انگیز و حتی آب دهان انداختن به زائران مسیحی است؛ رفتاری که از کنش های پنهان به اقدامات آشکار بدل شده است. بر اساس مستندات، تنها در سال گذشته بیش از صد مورد آزار ثبت شده و بسیاری دیگر گزارش نشده اند. این شرایط احساس ناامنی شدیدی در میان مسیحیان ایجاد کرده، به گونه ای که در یک نظرسنجی، ۴۸٪ از جوانان مسیحی اعلام کردند به ترک سرزمین های اشغالی می اندیشند.^{۱۲} شکاف میان الهیات اوانجلیستی و یهودی نه تنها در سطح گفت و گو عمومی، بلکه در فرآیندهای تصمیم گیری سیاسی نیز نمود یافته است. در حالی که اوانجلیست ها از منظر آخرالزمانی و الهیاتی از اسرائیل حمایت می کنند؛ برخی از باورهای آنان - از جمله مسئول دانستن یهودیان در مرگ عیسی - با اصول اعتقادی یهودیان در تضاد است. این تنش های الهیاتی و سیاسی می تواند بر روابط میان جوامع یهودی و اوانجلیستی در آمریکا و همچنین بر سیاست های ایالات متحده در قبال اسرائیل تأثیرگذار باشد.^{۱۳}

در مجموع، هرچند میان الهیات اوانجلیستی و یهودی، شکاف های عمیق و ناسازگارهایی اساسی وجود دارد؛ اما واقعیت سیاسی نشان می دهد که جریان صهیونیسم توانسته است از شور دینی و شبکه گسترده اوانجلیست ها بهره برداری مؤثری کند. حمایت های مالی، رسانه ای و سیاسی اوانجلیست ها، در عمل به یکی از مهم ترین پشتوانه های مشروعیت برای اسرائیل تبدیل شده است. بدین سان، هرچند انگیزه های این دو جریان از اساس متفاوت است، اما صهیونیست ها از این اتحاد، بیشترین سود راهبردی را می برند و آن را همچون تجربه ای موفق از پیوند ایمان و قدرت معرفی می کنند.

اوانجلیست ها خود را به عنوان گروهی معرفی می کنند که عمیقاً به پروژه های صهیونیستی اهمیت می دهند؛ با این حال این حمایت غالباً نه از سرهمدلی انسانی با یهودیان، بلکه از منظر الهیاتی و در چارچوب پیش فرض های آخرالزمانی صورت می گیرد. در تخیل آخرالزمانی اوانجلیستی، یهودیان در نهایت یا به مسیحیت خواهند گروید یا در آتش جهنم گرفتار خواهند شد. بر اساس یک نظرسنجی، ۸۲٪ از اوانجلیستی های سفیدپوست در ایالت تگزاس معتقدند که خداوند سرزمین اسرائیل را به قوم یهود بخشیده است؛ با این حال، همین افراد بر این باورند که یهودیان غیرمسیحی در نهایت به جهنم خواهند رفت.^۹ این تناقض آشکار در نگرش اوانجلیستی ها، نشان دهنده پیوندی ابزاری و مشروط با یهودیت است که بیشتر بر مبنای تحقق پیش گویی های کتاب مقدس بنا شده تا احترام به هویت دینی یهودیان. در دهه های اخیر، روابط میان جامعه یهودی ارتدوکس افراطی و مسیحیان در سرزمین های اشغالی با تنش فزاینده ای همراه بوده است. از دیدگاه سنتی یهودیت، جنبش «یهودیان مسیحی» که در دهه ۱۹۷۰ پدید آمد؛ به عنوان بخشی از مسیحیت شناخته شده و از جامعه یهودی طرد می شود.^{۱۰} گروه های تندرو یهودی مانند «لحاوا» و «اور لا آخیم» با تبلیغ مسیحیت، ازدواج های مختلط و برگزاری گردهمایی های نیایشی مسیحیان در اورشلیم مخالفت می کنند. برخی رهبران مذهبی و سیاسی اسرائیل نیز - از جمله آریه کینگ، معاون شهردار اورشلیم - ضمن مخالفت با تبلیغ مسیحیت، هرگونه فعالیت تبشیری را «غیرقابل قبول» می دانند.^{۱۱} در همین فضا، محدودیت هایی برای ورود زائران مسیحی به اماکن مقدس، به ویژه کوه صهیون، وضع شده و موارد متعددی از آزار کلامی، توهین و مزاحمت در جریان مراسم عبادی گزارش شده است.

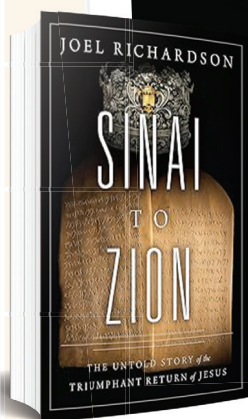
منابع دیگر به کار رفته در متن: بخشایش اردستانی، احمد و شاهی، محمد (اسفند ۱۳۹۰). «جی استریت، «لای نوظهور در ایالات متحده آمریکا»، مطالعات روابط بین الملل، شماره ۱۷، (ص ۶۵-۹۰).

سیمبر، رضا و نظری، کیانوش (اردیبهشت ۱۳۹۳). «بررسی آپیک و تأثیر آن بر سیاست خاورمیانه ای آمریکا»، پژوهش های بین الملل، شماره ۱۱، (ص ۹-۳۴).
Asmar, A. (2023, October 4). Israel: Spitting on Christians in Jerusalem 'not criminal', says Ben Gvir: Ultra-Orthodox Jews seen spitting on Christian pilgrims in Jerusalem. Anadolu Agency. <https://www.aa.com.tr>.
Kinzer, M. (2013, August). Postmissionary Messianic Judaism and its implications for Christian-Jewish engagement. MD, 4(2). Special Copyright Notice.
Rosing Center. (2024, August 1). Attacks on Christians increasing in Israel. Holy Land Israel News. <https://www.rosingcenter.org>.
Wineapple, S., & Kark, R. (2021). Mission impossible: The Christian mission and the State of Israel, 1948-65. Israel Affairs. Routledge (Taylor & Francis).

۱. رضای پناه، امیر و حاجیلو، محمدحسین (تیرماه ۱۳۹۲). «واکاوی نقش رسانه های اسرائیل در بازتولید ایدئولوژی نژادپرستی صهیونیسم»، پژوهش های راهبردی سیاست، ش ۵، ص ۱۶۳-۱۹۶.
2. Krauss, J. (2020, May 18). GOD TV spat exposes tensions between Israel, evangelicals. Religion News Service. <https://religionnews.com/2020/05/18/god-tv-spat-exposes-tensions-between-israel-evangelicals>.
3. Ibid.
4. Delay, T. (2024). Evangelical Zionism: From

the river to the sea, Palestine issue, Christian Zionism and the US political imaginary. Parapraxis Magazine. Parapraxis.
5. Krauss, J. Idem.
۶. GOD TV یا «تلویزیون خدا» شبکه ماهواره ای است که از ۱۹۹۵ برای تبلیغ مسیحیت در عرصه جهانی و به مرکزیت بریتانیا تأسیس شد و برنامه هایش را در قاره های جهان پخش می نماید.
7. <https://apnews.com/general-news-3c1f89032a435398fe1e02f-365fb450#>.

8. Krauss, J. Idem.
9. Delay, T. Idem.
10. Krauss, J. Idem.
11. FSSPX News. (2023, July 19). Israel: Fundamentalists oppose Christianity. fsspx.news.
12. Balog, A. (2024). Annual Report 2024: Attacks on Christians in Israel and East Jerusalem. Rosing Center for Education and Dialogue. <https://rosingcenter.org>.
13. Delay, T. Idem.



الهیات در خدمت سیاست: بازخوانی صهیونیستی کتاب مقدس در آثار جوئل ریچاردسون

مسعود زائری

جوئل ریچاردسون از چهره‌های شاخص جریان اوانجلیستی در مسیحیت معاصر است که با بازخوانی تفاسیر کتاب مقدس در چارچوبی صهیونیستی، می‌کوشد میان الهیات مسیحی و سیاست‌های اسرائیل پیوند برقرار کند. او با تکیه بر مفاهیم نجات، بازگشت مسیح و نبرد نهایی خیر و شر، نقش قوم یهود را در طرح نجات الهی برجسته می‌سازد. دو اثر مهم او، «از سینا تا صهیون» و «انجیل مجمله‌شکن»، نمونه‌های آشکار این رویکرد آخرالزمانی و سیاسی‌اند که در ادامه به معرفی مختصر آن‌ها پرداخته می‌پردازیم.

طرحی که از کوه سینا آغاز شد و در صهیون، با بازگشت منجی، به کمال خواهد رسید.

کتاب «از سینا تا صهیون» را می‌توان نمونه‌ای از آثار انجیلی-صهیونیستی دانست که در آن الهیات مسیحی با روایت تاریخی قوم یهود و وعده‌ی بازگشت مسیح درهم‌تنیده می‌شود. این اثر، افزون بر جنبه دینی، در فضای فرهنگی و سیاسی غرب نیز نقش زیادی در مشروعیت‌بخشی به اسرائیل و تقویت امید آخرالزمانی در میان مسیحیان اوانجلیست ایفا کرده است.

کتاب «از سینا تا صهیون» روایت ناگفته از بازگشت پیروزمندانه عیسی مسیح^۱ نوشته جوئل ریچاردسون در سال ۲۰۲۰ اثری است پژوهشی و تفسیری درباره پیوند عمیق میان دو عهد کتاب مقدس در توصیف بازگشت نهایی عیسی مسیح. ریچاردسون در این کتاب در صدد است نشان دهد که چگونه عهد عتیق و عهد جدید، هر دو، بازگشت مسیح را به مثابه «خروجی بزرگ‌تر و نهایی‌تر» از اسارت بشر ترسیم می‌کنند. در حقیقت، فرضیه اصلی نویسنده در این کتاب آن است که بسیاری از فرازهای عهد عتیق، هر چند بیانگر رویدادهایی از گذشته و ماجرایی بنی‌اسرائیل‌اند، اما کارکرد اصلی آن‌ها مربوط به زمان ظهور عیسی مسیح است. به عنوان مثال، ماجرای خروج بنی‌اسرائیل از مصر در حقیقت در ابعادی جهانی و در زمان ظهور عیسی تحقق خواهد یافت. نویسنده مدعی است این کتاب برای نخستین بار، بررسی کاملی از بسیاری از متون عهد عتیق را که اغلب نادیده گرفته می‌شوند – اما از اهمیت زیادی برخوردارند – ارائه می‌دهد؛ متونی که پیامبران عهد عتیق و نویسندگان عهد جدید، آن‌ها را به عنوان توصیف بازگشت عیسی تفسیر کرده‌اند. ریچاردسون می‌کوشد خواننده را از نگاه صرفاً نمادین به مفاهیم کتاب مقدس دور کند و به درکی عمیق‌تر برساند؛





که با پوششی الهیاتی و تفسیری از کتاب مقدس، در پی شکل‌دهی به گفتمانی سیاسی و ایدئولوژیک در حمایت از اسرائیل هستند. این جریان می‌کوشد با بهره‌گیری از زبان ایمان، امید و مفاهیم نجات، منجی‌باوری و آخرالزمان، نوعی خوانش خاص از متون مقدس ارائه دهد که موجودیت و برتری قوم یهود را در طرح نجات الهی توجیه کند. در همین چارچوب، جان هیگی، کشیش سرشناس اوانجلیستی نیز در کتاب جدید خود -منتشر شده در سال ۲۰۲۵- با عنوان «منازعه خاورمیانه: منشأ نفرت از یهودیان»^۳ به بررسی ریشه‌های تاریخی یهودستیزی پرداخته و آن را پدیده‌ای متضاد با آموزه‌های عیسی مسیح می‌داند. او در این کتاب تأکید می‌کند که مسیحیان موظفند با نور انجیل در برابر یهودستیزی بایستند و در همبستگی تزلزل‌ناپذیر با اسرائیل و قوم یهود باقی بمانند.

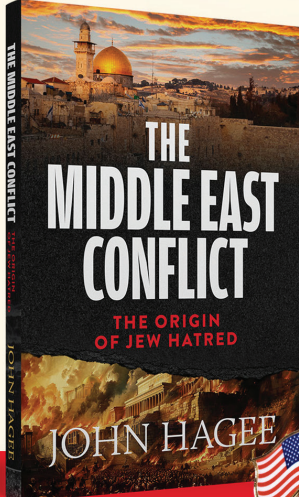
در مجموع، چه در آثار ریچاردسون و چه در نوشته‌های دیگر اوانجلیست‌ها، می‌توان نوعی جهت‌گیری منسجم و هدفمند برای مشروعیت‌بخشی دینی به سیاست‌های اسرائیل را مشاهده کرد؛ رویکردی که با تکیه بر مضامین الهی و آخرالزمانی، تلاش دارد حمایت از اسرائیل را به‌عنوان بخشی از ایمان مسیحی معرفی و تثبیت کند.

کتاب «انجیل مجسمه‌شکن: بشارت پرشکوه نقشه خدا برای اصلاح همه‌چیز»^۲ جدیدترین اثر جوئل ریچاردسون که در سال ۲۰۲۴-۲۰۲۵ چاپ شده، یک روایت تصویری و تفسیری از سیر کامل کتاب مقدس، از سفر پیدایش تا مکاشفه است و با هدف بازنمایی «نقشه خدا برای اصلاح همه‌چیز نگاشته شده است. ریچاردسون در این کتاب از تصاویر تمام‌رنگی بهره گرفته تا خواننده علاوه بر متن، تجربه‌ای بصری و هنری از داستان انجیل داشته باشد.

نویسنده در این کتاب، قصد دارد نوعی بازخوانی معاصر از پیام انجیل ارائه کند؛ روایتی که هم به زبان تصویر و هم از منظر تفسیر کتاب مقدس، بر جنبه موعودباورانه و نجات‌بخش تأکید دارد. نویسنده معتقد است هرکس این کتاب را بخواند با تفسیر حقیقی انجیل آشنا خواهد شد و در برابر انحرافات هم‌چون یهودستیزی واکسینه خواهد شد. با توجه به اظهارنظرهای ریچاردسون در معرفی کتاب خود به نظر می‌رسد عنوان کتاب دلالتی بر رویکرد آخرالزمانی و نجات‌بخش دارد؛ چراکه در سفر پیدایش ۳:۱۵ وعده داده شده است که عیسی مسیح سر مار (که نماد شیطان است) را در نبرد نهایی و آخرالزمانی خواهد شکست و ریچاردسون نیز با اشاره به این موضوع در کتاب خود، خواسته است به نوعی اشاره به کارکرد آخرالزمانی و منجی‌گرایانه منجی داشته باشد.

از نگاه ریچاردسون، این تصویر کهن از نبرد میان نیکی و شر، نه یک استعاره اسطوره‌ای بلکه حقیقتی تاریخی و آینده‌نگر است. او در سراسر کتاب نشان می‌دهد چگونه از آغاز کتاب مقدس تا پایان آن، ردّ این وعده‌ی بزرگ الهی دیده می‌شود؛ وعده‌ای که در مسیح تحقق می‌یابد و نقطه‌ی اوج طرح الهی برای رهایی بشر است.

در نگاهی کلان، آثار و تلاش‌های مکتوب جوئل ریچاردسون را باید بخشی از جریان گسترده‌تری در میان اوانجلیست‌های معاصر دانست



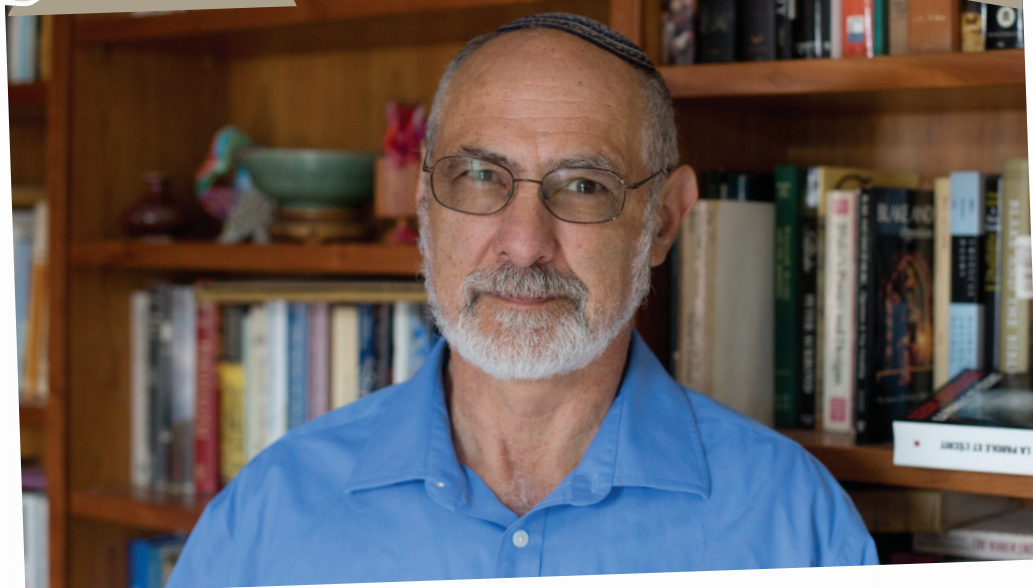


STAND WITH ISRAEL

OUR GIFT TO YOU — THIS MONTH ONLY

چنانکه در تصویر دیده می‌شود، جان هیگی رسماً اعلام می‌کند این کتاب را در حمایت کامل از اسرائیل نگاشته و منتشر کرده است.

1. Richardson, Joel. Sinai to Zion : The Untold Story of the Triumphant Return of Jesus. Winepress, 2020.
2. Richardson, Joel. Gospel of the Skull Crusher: The Gloriously Good New of God's Plan to Fix Everything. Winepress, 2025.
3. Hagee, John C. The Middle East Conflict: The Origin of Jew Hatred, Goose Creek Publishing, 2025.



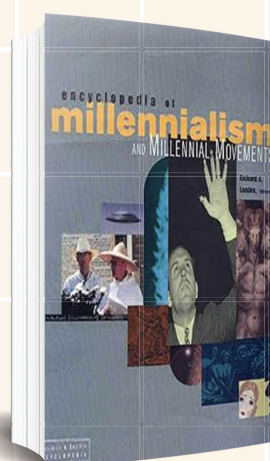
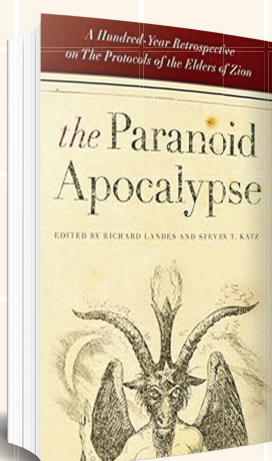
مستشرقی در خدمت صهیونیسم: تحلیل دیدگاه‌های آخرالزمانی ریچارد لندز

● گروه غرب و مذهبیت

ریچارد لندز، مستشرق و تاریخ‌پژوه در حوزه مطالعات قرون وسطی و اندیشه‌های آخرالزمانی، تحصیلات دانشگاهی خود را در معتبرترین مراکز علمی جهان گذرانده است. او در سال ۱۹۷۱ مدرک کارشناسی خود را در رشته مطالعات اجتماعی از دانشگاه هاروارد اخذ نمود و در ادامه در سال ۱۹۷۹ مدرک کارشناسی ارشد و در سال ۱۹۸۴ مدرک دکتری خود را در رشته تاریخ از دانشگاه پرینستون آمریکا اخذ نمود.

بر عهده داشت و تا سال ۲۰۱۵ نیز به عنوان استاد در همان دانشگاه به فعالیت علمی ادامه داد. او پس از آن به اورشلیم مهاجرت کرده و هم‌اکنون به عنوان عضو ارشد «مرکز ارتباطات بین‌المللی» در دانشگاه بار-ایلان مشغول به کار است.^۲

این مستشرق یهودی آمریکایی الاصل، در طول دوران فعالیت علمی خود در دانشگاه‌های متعددی از جمله دانشگاه بوستون، کلمبیا و پیتمسبورگ به تدریس و پژوهش اشتغال داشته است. وی از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ مدیریت «مرکز مطالعات هزاره‌گرایی» در دانشگاه بوستون را

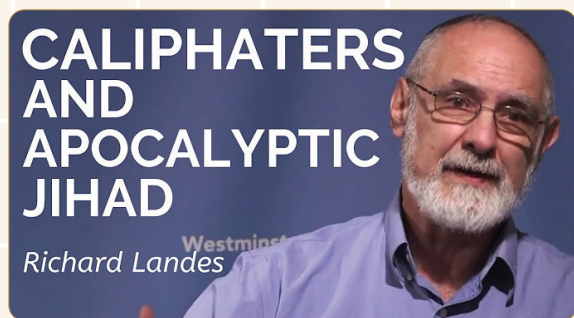


برخی از کتاب‌های
ریچارد لندز

عمومی غرب و گسترش موج جدیدی از یهودستیزی در جهان شدند.

ریچارد لندز اصطلاح «Pallywood» را برای توصیف نوعی از تبلیغات رسانه‌ای فلسطینی‌ها ابداع کرده است. او این واژه را ترکیبی از دو کلمه Palestine (فلسطین) و Hollywood (هالیوود) می‌داند و معتقد است که برخی رسانه‌های فلسطینی با بهره‌گیری از تکنیک‌های نمایشی و ساختگی سینمایی، رویدادها و درگیری‌ها را به گونه‌ای تنظیم و بازنمایی می‌کنند که تصویری مظلومانه از فلسطینیان و تصویری خشن و بی‌رحمانه از اسرائیل ارائه دهند. به باور لندز، این روایت‌های تصویری ساختگی که به سرعت در رسانه‌های جهانی بازتاب می‌یابند، افکار عمومی غرب را دچار فریب و احساسات‌گرایی می‌کنند و موجب گسترش موجی از یهودی‌ستیزی و دشمنی با اسرائیل می‌شوند. وی در تحلیل نفرت جهانی از صهیونیست‌ها جمله‌ای از یک روان‌پزشک آلمانی نقل می‌کند: «جنون، وقتی همه‌گیر شود، عقل نامیده می‌شود». او بر پایه‌ی همین دیدگاه، یهودی‌ستیزی جهانی را نوعی جنون فراگیر می‌داند که به سبب گستردگی‌اش، در نگاه بسیاری، به امری عقلانی و موجه تبدیل شده است.^۱

با توجه به آنچه گفته شد، ریچارد لندز را می‌توان مستشرقی دانست که با ترکیب تخصص خود در تاریخ قرون وسطی و مطالعات آخرازمایی، کوشیده است روایت ویژه‌ای از تحولات سیاسی و مذهبی معاصر ارائه دهد؛ روایتی که در آن، گروه‌های جهادی و جنبش‌های اسلامی افراطی در چارچوب ذهنیت‌های آخرازمایی قرون وسطایی تفسیر می‌شوند و رسانه‌های غربی به دلیل ناآگاهی از این ذهنیت، به بازتولید ناآگاهانه تبلیغات ضداسرائیلی و یهودستیزانه متهم می‌گردند. عجیب نیست که او در این راه حتی پیشینه علمی نسبتاً سنگین خود را به حراج گذاشته است!



تمرکز این شخص در موضوعات آخرازمایی و هزاره‌گرایی موجب شده است تا سه اثر مهم با نام‌های «دایرةالمعارف هزاره‌گرایی و جنبش‌های هزاره‌ای»^۲، «بهشت روی زمین: انواع تجربه هزاره»^۳ و «آخرازمان پارانوئید: نگاهی به صد سال تاریخ گذشته بر پروتکل‌های بزرگان صهیون»^۴ از این نویسنده منتشر شود که در آن به دنبال واکاوی باورها و جریان‌های هزاره‌گرایانه و آخرازمایی در تاریخ بشر است که چگونه این باورها در زمینه‌های متفاوت ظهور می‌یابند، چگونه دگرگون می‌شوند و چگونه به روایت‌ها و کنش‌های سیاسی و فرهنگی جهان شکل می‌دهند.

ریچارد لندز به آخرازمان اسلامی هم نگاه ویژه‌ای داشته به گونه‌ای که در یکی از سخنرانی‌های مهم خود در سال ۲۰۱۹ که در اندیشکده Westminster Institute برگزار شد به بررسی پیوند میان ایدئولوژی خلافت‌گرایی اسلامی و باورهای آخرازمایی و موعودگرایانه در میان گروه‌های افراطی می‌پردازد. او توضیح می‌دهد که چگونه برخی جریان‌های اسلام‌گرا، به‌ویژه جهادی‌ها با تفسیر خاصی از مفاهیم دینی مانند خلافت، ظهور مهدی و نبرد نهایی خیر و شر نوعی جهان‌بینی آخرازمایی فعال ایجاد کرده‌اند که هدف آن نه تنها بازگرداندن اقتدار اسلامی بلکه برپایی نظم جهانی تازه‌ای است که در پی احیای خلافت جهانی‌اند و از ایده‌های آخرازمایی برای مشروعیت‌بخشی به خشونت و جهاد استفاده می‌کنند.^۵

ریچارد لندز، که بارها به یهودی بودن خود اذعان کرده است (برای نمونه، در مقاله «افتخار و شرمساری از یهودی بودن: خودانتقادی یهودیان و آسیب‌های آن»^۶ چندین بار به این موضوع اشاره کرده) کوشیده است تا فعالیت‌های خود را بی‌وقفه در خدمت یهودیان و صهیونیست‌ها متمرکز کند. او در راستای حمایت از جریان‌های صهیونیستی و در توجیه موج جهانی یهودستیزی در سال ۲۰۲۲، کتابی جنجالی با عنوان «آیا ممکن است تمام دنیا در اشتباه باشند؟ روزنامه‌نگاری مرگبار، یهودی‌ستیزی و جهاد جهانی»^۷ منتشر کرد. لندز در این اثر استدلال می‌کند که ناتوانی غرب در درک ذهنیت قرون وسطایی حاکم بر جهاد جهانی - شامل گروه‌های افراطی اسلامی همچون داعش و القاعده- در سال‌های آغازین هزاره سوم (۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳)، زمینه‌ساز سوءتفاهم‌ها و واکنش‌های نادرستی شد که بحران‌های فکری و سیاسی قرن بیست و یکم را رقم زد. او بر این باور است که رسانه‌ها و نخبگان اطلاعاتی غرب به‌جای تحلیل دقیق و واقع‌گرایانه، در دام تبلیغات جنگی فلسطینیان و جهادی‌ها گرفتار شدند و از فهم عمیق ایدئولوژی‌های خطرناک آنان بازماندند؛ ایدئولوژی‌هایی که در نگاه او، موجب انحراف افکار

1. Richard Landes

2. <https://richard-landes.com/about/>

3. Landes, Richard. Encyclopedia of Millennialism and Millennial Movements. Routledge, 2000.

4. Landes, Richard. Heaven on Earth: The Varieties of the Millennial Experience. Oxford University Press, 2011.

5. Landes, Richard, and Steven T. Katz. The Paranoid Apocalypse: A Hundred-Year Retrospective on the Protocols of the Elders of Zion. New York University Press, 2016.

6. <https://westminster-institute.org/events/caliphaters-and-apocalyptic-jihad/>

7. Landes, Richard. "Proud to be Ashamed to be a Jew: On Jewish Self-Criticism and Its Pathologies", ISGAP Working Paper Series, Number 9, April 2015.

8. Landes, Richard. Can "The Whole World" Be Wrong? : Lethal Journalism, Antisemitism, and Global Jihad. Academic Studies Press, 2022.

9. <https://www.jpost.com/israel-news/article-741408>.

معرفی مراکز اسلام پژوهی و
ایران پژوهی در اسرائیل (۲):

دانشگاه عبری اورشلیم

زهیر دهقانی آرانی



دانشگاه عبری اورشلیم (Hebrew University of Jerusalem) یکی از معتبرترین مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی در اسرائیل و جهان است که در سال ۱۹۱۸ توسط افراد سرشناسی همچون آلبرت انیشتین^۱، حییم وایزمن^۲ و زیگموند فروید^۳ بنیان‌گذاری شد و در آوریل ۱۹۲۵ به‌طور رسمی گشایش یافت.^۴ این دانشگاه که در زمره دانشگاه‌های برتر جهان قرار دارد، با هدف تربیت رهبران علمی، آموزشی و حرفه‌ای در جهت پاسداری و پژوهش از سنت‌های فکری و فرهنگی یهود و گسترش مرزهای دانش، در شهر اورشلیم و در بالای تپه‌ای به نام «کوه اسکوپوس» شروع به کار کرد.^۵

(الف) گروه مطالعات اسلامی و خاورمیانه

(Department of Islamic and Middle Eastern Studies)

Department of Islamic and
Middle Eastern Studies
The Faculty of Humanities

About Us Academic programs Faculty members Research & Activity Learning Arabic Learn with us Contact

Registration



دپارتمان مطالعات اسلامی و خاورمیانه دانشگاه عبری اورشلیم^۶ به بررسی جوامع اسلامی و خاورمیانه از ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی تا امروز می‌پردازد. حوزه‌های تخصصی این دپارتمان شامل تاریخ پیشامدرن خاورمیانه، مطالعات عثمانی و ایرانی، فرهنگ مادی و هنر اسلامی، تاریخ آسیای مرکزی و درونی (از جمله امپراتوری مغول)، تاریخ فلسطین و سرزمین اسرائیل از فتح اسلامی تا امروز و تاریخ جهان عرب معاصر است. تمرکز هم‌زمان بر دوره‌های میانه و مدرن و پوشش گسترده موضوعات، این دپارتمان را در میان مراکز مطالعات اسلامی اسرائیل منحصر به فرد ساخته است. در این مرکز برنامه‌های آموزشی در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری ارائه می‌شود. در مقطع کارشناسی، دانشجویان می‌توانند این رشته را به‌صورت اصلی یا فرعی انتخاب کرده و دروس متنوعی را در زمینه تاریخ جوامع اسلامی از ظهور اسلام تا دوران معاصر، نهادها و مکاتب اسلامی، فلسفه و عرفان، هنر و فرهنگ مادی، و تحولات اجتماعی و سیاسی جهان اسلام بگذرانند. آموزش زبان عربی، به‌عنوان ابزار کلیدی پژوهش در این حوزه، بخش محوری برنامه است و علاوه بر آن، فرصت تمرکز بر مطالعات ایرانی و ترکی نیز فراهم است. در مقطع

آلبرت انیشتین که یکی از بنیان‌گذاران اصلی این مرکز علمی بود، در سال ۱۹۲۱ و قبل از افتتاح رسمی این دانشگاه بیان می‌کند: «من هیچ رویداد عمومی‌ای را نمی‌شناسم که به اندازه پیشنهاد تأسیس دانشگاه عبری در اورشلیم مرا خوشحال کرده باشد».^۷ او از نخستین اعضای هیئت امنای دانشگاه و شورای علمی آن بود و علاوه بر ایراد اولین سخنرانی در این دانشگاه، نخستین مجموعه مقالات علمی دانشگاه را نیز وی ارائه و ویرایش کرد. انیشتین در وصیت‌نامه خود تمام آثار و دست‌نوشته‌هایش را به این دانشگاه واگذار کرد و از سال ۱۹۸۲ حقوق ادبی و مالکیت تمام آثارش به‌طور رسمی به دانشگاه عبری اورشلیم منتقل شد.



تصویری از ساختمان قدیمی دانشگاه عبری اورشلیم



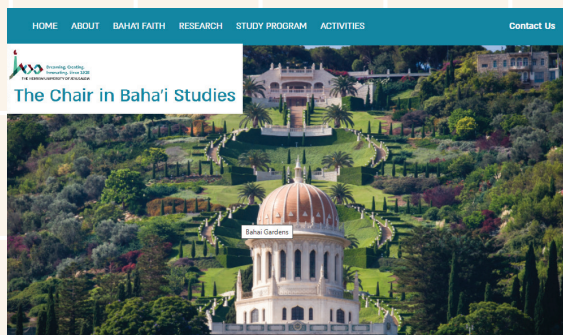
انیشتین و اساتید دانشگاه عبری اورشلیم

این دانشگاه در مقاطع مختلف تحصیلی، رشته‌های متنوعی در حوزه‌های علوم انسانی، حقوق، پزشکی، مهندسی و علوم پایه ارائه می‌دهد و تاکنون توانسته است چهره‌های سرشناسی را در این زمینه‌ها تربیت کند. با این حال، آنچه در این نوشتار مورد توجه است، معرفی مراکز و گروه‌های فعال اسلام‌پژوهی در این دانشگاه است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

تعامل اسلام با دیگر فرهنگ‌ها می‌پردازد. مقالات ارائه‌شده در JSAI اغلب از پژوهشگران بین‌المللی هستند و شامل یافته‌های نوآورانه در حوزه‌های تاریخ، فلسفه، ادبیات و مطالعات اسلامی می‌شوند. جالب اینکه شماره آغازین این نشریه در سال ۱۹۷۹ یعنی همان سال پیروزی انقلاب اسلامی در ایران منتشر شده و برخی از مهم‌ترین مقالات چالشی در مورد باورهای اسلامی و شیعی در همین مجله به چاپ رسیده است. دیگر نکات قابل توجه این بنیاد، حضور چهره‌های برجسته‌ای چون اتان کلبگ، یوحنا فریدمن و الا لاندو تاسرون است؛ افرادی که در جایگاه‌هایی همچون عضویت در هیئت‌مدیره و هیئت تحریریه نشریه بنیاد، نقش مؤثری در فعالیت‌های علمی و پژوهشی آن ایفا می‌کنند.

(ج) کرسی مطالعات بهائی در دانشگاه عبری اورشلیم

(The Chair in Baha'i Studies)



کرسی مطالعات بهائی در دانشگاه عبری اورشلیم^{۱۱}، نخستین کرسی دانشگاهی در جهان است که به‌طور اختصاصی به مطالعه، آموزش و پژوهش در زمینه آیین بهائی می‌پردازد. این کرسی در سال ۱۹۹۹ توسط پروفیسور موشه شارون بنیان‌گذاری شد و در سال ۲۰۲۱، پروفیسور مئیر بار-آشر به ریاست آن منصوب گردید. این مرکز با برگزاری دوره‌های آموزشی در طول ۲ سال و با عناوینی همچون شناخت بهائیت، خوانش متون کتب بهائیت، آموزش زبان فارسی و... سعی دارد دانشجویان خود را با فرقه بهائیت آشنا گرداند تا به درک عمیق‌تر و انتشار گسترده‌تر دانش مربوط به آیین بهائی را کمک کنند. همچنین، این کرسی با برگزاری کنفرانس‌ها و انتشار مقالات علمی در زمینه‌های مختلف، نقش مهمی در گسترش دانش و پژوهش‌های مرتبط با آیین بهائی ایفا می‌کند. در این مرکز آموزشی، علاوه بر مئیر بار آشر که ریاست آن را بر عهده دارد، اشخاص سرشناس دیگری همچون پروفیسور میشل بیران، دکتر مایکل ابستین، دکتر سیوان لور و دکتر دیوید روتستین (دبیرکل جامعه بین‌المللی بهائی) مشغول فعالیت می‌باشند و از جمله پروژه‌های مهم این مرکز مطالعاتی، ترجمه آثار مهم بهائیت به زبان عبری بوده و در این راستا نیز پروژه‌های مختلفی تعریف شده است.

کارشناسی‌ارشد نیز رشته «مطالعات اسلامی و خاورمیانه» با دو گرایش پیشامدرن و معاصر ارائه می‌شود که طیفی گسترده از موضوعات را از اندیشه و فرهنگ تا سیاست و جامعه در مناطق عربی، ایران، ترکیه و شمال آفریقا پوشش می‌دهد. در دوره دکتری، دانشجویان در چارچوبی میان‌رشته‌ای به پژوهش‌های تخصصی در تاریخ، دین‌پژوهی، جامعه‌شناسی و سیاست خاورمیانه معاصر می‌پردازند. تعدادی از مستشرقان برجسته، تحصیلات خود را در دانشگاه عبری اورشلیم و به‌ویژه در مرکز مطالعات خاورمیانه و اسلام این دانشگاه به پایان رسانده‌اند. از جمله این افراد می‌توان به اتان کلبگ، مئیر بار آشر، یوحنا فریدمن، روی ویلوزنی، راز زیمت، اوفر لیونه کفری و الیشوا ماچلیس اشاره کرد. شماری از آنان پس از فراغت از تحصیل، همکاری خود را با این مرکز ادامه داده و در حوزه‌های پژوهشی و آموزشی همان دانشگاه به فعالیت پرداخته‌اند.

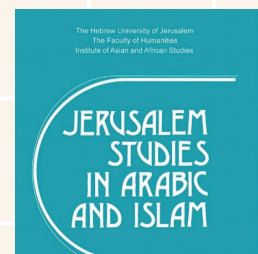


(ب) بنیاد یادبود مکس شلوزینگر

(Max Schloessinger Memorial Foundation)

بنیاد یادبود مکس شلوزینگر در سال ۱۹۷۲ به وصیت پروفیسور مکس شلوزینگر، معاون رئیس دانشگاه عبری و همسرش، دکتر میریام شار شلوزینگر برای تسهیل انتشار متون عربی و همچنین مطالعات مربوط به اسلام، زبان و ادبیات عرب و تاریخ خاورمیانه تأسیس شد.^۸ از جمله فعالیت‌های مهم این بنیاد می‌توان برگزاری همایش بین‌المللی از جاهلیت تا اسلام (*From Jāhiliyya to Islam*) را نام برد که بر موضوع دوره انتقالی عصر پیش از اسلام (جاهلیت) به ظهور اسلام اولیه تمرکز دارد. این همایش با هدف بررسی تاریخ، فرهنگ، جامعه و مؤسسات دینی و سیاسی اسلام نخستین و تعامل آن با جوامع همسایه و تحولات زبان و ادبیات عربی برگزار می‌شود. این همایش معمولاً هر ۳ سال یک‌بار در دانشگاه عبری اورشلیم برگزار می‌گردد و از مهم‌ترین رویدادهای علمی در زمینه مطالعات اسلامی کلاسیک و تاریخی به شمار می‌آید.^۹

از جمله فعالیت‌های مهم دیگر این بنیاد، چاپ سالانه مجله مطالعات اورشلیم به زبان عربی و اسلامی^{۱۰} است که به مطالعه متون عربی کلاسیک، ادبیات و زبان عربی، تاریخ و فرهنگ اسلامی، مؤسسات دینی و اجتماعی جهان اسلام و



۱. تشکیل رژیم جعلی اسرائیل داشت و در سال ۱۹۳۴ نیز مؤسسه عالی علوم وایزمن را که در زمره برترین مراکز علمی جهان به شمار می‌رود، تأسیس کرد.
۲. زیگموند فروید (۱۸۵۶-۱۹۳۹) روانکاو اتریشی است که اصالتی یهودی داشت.
۳. جالب است توجه کنیم تاریخ تشکیل این دانشگاه عملاً ۲۳ سال قبل از تشکیل رژیم جعلی صهیونیستی (اسرائیل) در سال ۱۹۴۸ است!

۱. آلبرت انیشتین Albert Einstein (۱۸۷۹-۱۹۵۵) فیزیک‌دان آلمانی و صاحب نظریه معروف نسبیت بود. او که بیست سال پایانی عمر خود را در آمریکا گذراند، در جریان شکل‌گیری اسرائیل نقش داشت اگرچه گفته می‌شود او با جنایات یهودیان در آغاز تشکیل این رژیم مخالفت داشت.
۲. حییم وایزمن Hayyim Weizman (۱۸۵۲-۱۹۶۴)، شیمی‌دان، کاشف آبیتون، رئیس سازمان جهانی صهیونیسم و اولین رئیس‌جمهور اسرائیل بود. او که زاده روسیه بود، تأثیر چشمگیری در

5. <https://en.huji.ac.il/history>
6. <https://en.huji.ac.il/einstein>
7. <https://en.islamic-mideast.huji.ac.il/>
8. <https://jsai.huji.ac.il/>

9. <https://jsai.huji.ac.il/about-jsai-0>.
10. Jerusalem Studies in Arabic and Islam
11. <https://bahaichair.huji.ac.il>

روایت هالیوود از نجات و نابودی: دگرگونی مفهوم منجی گرایی

مسعود زائری



در یک نگاه کلی، تاریخ سینمای هالیوود بیانگر توجه ویژه فیلم‌سازان آن به آثار منجی‌محور است. دهه ۱۹۵۰م را می‌توان آغاز تولید گسترده فیلم‌های آخرالزمانی دانست؛ در این دهه حدود سیزده اثر با چنین مضامینی ساخته شد. این روند تا دهه ۱۹۹۰م ادامه یافت و شمار آن‌ها به حدود چهل فیلم رسید. با نزدیک شدن به سال ۲۰۰۰م و آغاز هزاره سوم، تولید فیلم‌های آخرالزمانی رشد چشمگیری یافت و در دهه نخست این هزاره، تعدادشان از شصت و پنج فیلم فراتر رفت.^۱

گواه آن است که هالیوود در سال‌های اخیر به سمت تغییر منجی‌گرایی حرکت کرده و سعی دارد در محصولات خود به نفی منجی‌گرایی بپردازد که در ادامه سعی می‌شود شواهدی از این مدعا بیان گردد.

الف) تمرکز بر نجات بدون اتکاء به منجی‌نهایی

در بسیاری از آثار سینمای هالیوود، شخصیت منجی به عنوان فردی خارق‌العاده و دارای ویژگی‌های خاص معرفی می‌شود که وظیفه اصلی او نجات جهان یا بشریت از خطرات عظیم آخرالزمانی است. به عنوان مثال مشاهده فیلم‌هایی مانند «میان‌ستاره‌ای»^۲، «ماتریکس»^۳ و یا «۲۰۱۲»^۴ گویای آن است که یک شخصیت در فیلم به عنوان منجی تمام انسان‌ها معرفی شده و با انجام اقداماتی موجب نجات جان انسان‌ها می‌شود. اما در رویکردهای جدید، تمرکز از انتظار برای یک

این روند تا امروز نیز ادامه دارد و کمپانی‌های بزرگ هالیوود همچنان با سرمایه‌گذاری‌های کلان به تولید آثار آخرالزمانی می‌پردازند. در اغلب این فیلم‌ها، شخصیتی منجی‌گونه به‌عنوان ناجی بشریت در برابر تهدیدهایی چون بلایای طبیعی، ویروس‌ها، موجودات فضایی یا هوش مصنوعی ظاهر می‌شود. از این‌رو می‌توان گفت رویکرد غالب هالیوود در پرداخت به موضوع آخرالزمان و منجی‌گرایی، رویکردی ترویجی بوده و سردمداران این سینما تلاش کرده‌اند با استفاده از این ظرفیت، به تبلیغ اندیشه منجی‌گرایی - البته با خوانش غربی - بپردازند. اما مشاهده تولیدات سینمای هالیوود در دوران معاصر، به خصوص در سه دهه اخیر، گویای نوعی تغییر نگرش در پرداخت به موضوعات آخرالزمانی و منجی‌محور در این سینما است. رصد روند کلی محصولات این سینما



خود را به دست یک رهبر می‌سپارند، از عمده‌ترین اشتباهات راهبردی آن‌ها است. بر همین اساس فیلم ساخته شده از این رمان نیز به دلیل پابندی مضمونی به آن، در حقیقت به نفی مطلق اندیشه منجی‌محوری پرداخته است.

ج) نمایش پایان دنیا و نابودی انسان‌ها

از آغاز تاریخ، انسان همواره در آرزوی جامعه‌ای آرمانی و منجی خاصی بوده که آن را بنا کند؛ ادیان نیز با وعده ظهور چنین منجی‌ای، تحقق این آرمان شهر را پس از دوره‌ای از رنج و سختی نوید داده‌اند. اما در این بین بسیاری از فیلم‌های تولیدشده در سینمای هالیوود روایتگر نوعی دیگر از آینده تاریخ برای تمدن بشری است که در آن نه تنها انسان‌ها به آرمان شهر دوران ظهور منجی نخواهند رسید، بلکه کل کره زمین و انسان‌های موجود در آن به واسطه یک اتفاق آخرالزمانی نابود خواهد شد و هیچ نشانی از منجی نجات‌بخش وجود ندارد و انسان‌ها تسلیم پایان دنیا هستند.



به عنوان نمونه در فیلم‌های «آگاهی»^۸ و «بالا را نگاه نکن»^۹ موضوع نابودی زمین، محور اصلی داستان است؛ در اولی، انسان‌ها در برابر طوفان خورشیدی ناتوان مانده و سرانجام زمین نابود می‌شود؛ و در دومی دو دانشمند با بی‌تفاوتی و سوءاستفاده سیاسی مقامات در مواجهه با خطر برخورد ستاره‌ای دنباله‌دار روبه‌رو می‌شوند که در نهایت نیز به نابودی کامل زمین می‌انجامد. در پایان لازم به ذکر است وجود چنین نگرشی در نفی و نقد منجی‌گرایی از سوی سینمای هالیوود که به نوعی ویتترین تمدنی غرب است، می‌تواند باور به منجی موعود و انتظار ظهور را در ذهن مخاطبان کمرنگ سازد. از این رو ضروری است که با آگاهی و بصیرت، نسبت به پیام‌های پنهان و تأثیرگذار این آثار هوشیار باشیم و در مقابل جریان‌های فرهنگی غربی که در صدد تحریف مفهوم انتظار و نجات الهی‌اند، با تبیین درست و تقویت ایمان به منجی حقیقی، یعنی حضرت مهدی (عج)، استوار و منتظر بمانیم.

منجی نهایی به سوی نجات به دست یک فرد یا گروهی از انسان‌ها تغییر یافته است. این دیدگاه که در بسیاری از آثار سینمایی هالیوود نیز بازتاب یافته، بر این ایده تأکید دارد که رهایی و نجات بشر از بحران‌ها و حوادث آخرالزمانی نه از طریق ظهور منجی نهایی، بلکه به واسطه تلاش‌های فردی یا همکاری‌های جمعی انسان‌ها تحقق می‌یابد.



چنین رویکردی به عنوان نمونه در فیلم‌هایی مانند «یک مکان آرام»^۵ و یا «جعبه پرنده»^۶ که هر دو در سال ۲۰۱۸ م. ساخته شده است به خوبی قابل مشاهده است. در این فیلم‌ها هیچ نشانی از اتکاء به یک منجی جهانی وجود ندارد و همه افراد موجود در فیلم، به خصوص شخصیت‌های اصلی، تلاش می‌کنند تا با تکیه بر نیروی خود، نه منجی آسمانی، راه نجاتی یافته و از گزند این حادثه آخرالزمانی رهایی یابند.

ب) انکار صریح اندیشه منجی‌گرایی

از جمله مهم‌ترین نمونه‌ها برای اثبات فرضیه مذکور در این تحقیق، ساخت محصولاتی با انکار باور منجی‌گرایی است که در آن مطلق این اندیشه مورد هجمه مستقیم قرار گرفته است. شاید بتوان شاخص‌ترین نمونه این موضوع را در فیلم «تل ماسه»^۷ مشاهده نمود. هرچند شهرت این فیلم در مجامع دینی



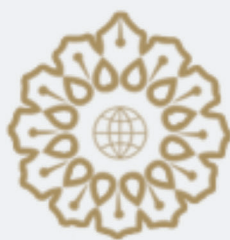
بیشتر در حوزه ضدیت آن با مفهوم مهدویت مطرح است؛ اما این فیلم قبل از آنکه در جهت تخریب منجی اسلامی حرکت کند، تلاش کرده است تا مطلق اندیشه منجی‌گرایی را نقد کند. فرانک هربرت نویسنده مجموعه رمان تل ماسه، انگیزه‌اش را از نگارش این کتاب‌ها، نقد قهرمان‌محوری و رهبری ارائه شده توسط ادیان و مکاتب مختلف بیان کرده است. هربرت عقیده دارد این‌که گروهی از انسان‌ها سرنوشت

1. Marian L. Tupy, "Hollywood's Apocalypse Obsession Ignores Reality," Foundation for Economic

Education (<https://fee.org/articles/hollywoods-apocalypse-obsession-ignores-reality>), July 22, 2019.

2. Interstellar (2014).
3. The Matrix (1999).
4. 2012 (2009).
5. A Quiet Place (2018).

6. Bird Box (2018).
7. Dune (2021).
8. Knowing (2009).
9. Don't Look Up (2021).



THE PROMISED MAHDI
The Promised Mahdi Cultural Foundation

سایت انگلیسی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
عج و رجا علیه السلام

سایت انگلیسی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

mahdism.net



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

www.mahdaviat.ir

شماره‌های پیشین مجله رصد را می‌توانید در آدرس زیر دنبال کنید:

eitaa.com/westandmahdism2